

## پاندول صفت

چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۸۸

رامین رحیمی

اخیراً عده ای با امضا و انتشار بیانیه "اعلام موجودیت و فراخوان کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه" همسویی خود را در سیاست های کارگری اعلام داشتند. شاید کسانی که با جزئیات دسته بندی های سیاسی در داخل کشور آشنایی کامل ندارند، این اقدام را فرخنده شماره و قدمی مثبت برای منافع طبقه کارگر ارزیابی کنند. و برای آنانی که با دسته بندی ها آشنایی دارند، اما هنوز در مورد ماهیت اپورتونیستی برخی از امضا کنندگان این فراخوان دچار توهم اند، باعث تعجب باشد. اینان از خود سؤال خواهند کرد که: چطور شده است عده ای که تا همین دو سه هفته ی پیش، در سمینارهای پالتاکی و نوشته های خود با وابستگی داخلی "سالیداریتی سنتر" خط و نشان می کشیدند، اینک در کنار همین افراد به "کمیته دفاع از کارگران هفت تپه" موجودیت بخشیده و دیگران را نیز به پیوستن به چنین ائتلافی فرا می خوانند؟ اما واقعیت اینست که چنین اتفاقی نه تعجبی دارد و نه وقت سرور است!

در زمانی که عده ای از "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد..." با آب و تاب فراوان به "افشاگری" (!) اعضای "کانون مدافعان حقوق کارگر" پرداخته بودند، در مقاله "رفرمیسم به خود می پیچد" نوشتیم: "تمامی فعالان کارگری شاهد دور جدید رویارویی دو جریان فکری در این جنبش بوده اند. اما خیالبافی است اگر فکر کنیم که حاد شدن این رویارویی به علت پیشروی دیدگاه کمونیست های انقلابی بوده است. خیر! چنین نیست. هر چند که طرف باصطلاح "رادیکال" در حملات خود از همان مواضع افشاگریانانه ای که جریان انقلابی علیه رفرمیست ها پیش گرفته بود، یعنی، وابستگی آن به جناح های مختلف سرمایه جهانی و بومی، استفاده کرده باشد. اما، واقعیت آنست که دو جریان سیاسی ای که امروز بر سر تقسیم غنائم به جان یکدیگر افتاده اند و برای هم خط و نشان می کشند، تا دیروز، در هماهنگی کامل، "کمیسیون هفت تپه" را تشکیل داده بودند تا بتوانند در مقابله با جریان انقلابی، مبارزات کارگران این شرکت را به کانال های قابل کنترل خود جهت داده و از ایشان بمانابه سکوی پرش برای دستیابی به منافع گروهی شان استفاده ببرند." [۱] ائتلاف امروز ایشان اثبات صحت همین گفته هاست. این ائتلاف نشان می دهد که جریان اپورتونیست موجود در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد..." دارای هیچ اصول ثابتی نیست. زمانی که منافع گروهی اش ایجاب می کرد تا مهر خود بر روی "سندیکای هفت تپه" بزند، "کانون مدافعان..." و اعضای آن را "سکه ی یک پول" کرد و در مقابل عده ای گمراه و متوهم که به دنبالش راه افتاده اند، قیافه ی "انقلابی" (!) گرفت. اما، در موقعیتی متفاوت، دوباره همان "کمیسیون (افشا شده ی) هفت تپه" را، با همان عناصر گذشته، و با نام جدید "کمیته ی دفاع از کارگران هفت تپه" احیا نمود.

البته نباید به ایشان خرده گرفت. اپورتونیسم "پاندول صفت" بوده و همواره میان کمونیسم و رفرمیسم در حال نوسان است. هنگامیکه خط مش کمونیستی در جامعه حضور قدرتمندی نشان دهد، اپورتونیسم نیز برای حفظ ظاهر و تحمیق نیروهای انقلابی متوهم موجود در حاشیه اش، به چپ چرخیده و مثلاً در نوشته هایش می نویسد: "پس اگر

بورژوازی در دفاع از منافع خود این چنین با جنبش کارگری و فعالین این جنبش بر خوردی سر کوب گرانه دارد، باید مدافعین این جنبش و دلسوزان و حامیان آن، که باور به مبارزه طبقاتی و حاکمیت شورائی کارگری دارند، با دیدی واقعی و عینی و براساس موجودیت سطح مبارزه این طبقه، دست به قلم برده و با تجزیه و تحلیل عینی از آنچه که جریان دارد رو به جنبش مباحث خود را مطرح کنند و از بر خورد اخلاقی و گاهاً سود نگرانه و غیر طبقاتی به دور باشند." [۲]. اما آن زمان که منافعش چرخش به راست را ایجاب کند، "برخورد اخلاقی و گاهاً سود نگرانه و غیر طبقاتی" را به خود بخشیده و در کنار رفرمیسم قرار می گیرد.

هدف ما و روی سخن ما، در اینجا، با رفرمیست ها و اپورتونیست ها نیست. رفرمیست ها بر مبنای منافع طبقاتی بورژوازی و انگیزه های گرفتن امتیازات و اعتبارات شخصی عمل کرده و همواره سعی می کنند تا با ایجاد ائتلاف ها و کانون ها و کمیته های متنوع، قلاب خود را بر پیکر جنبش های اجتماعی فرو برده و ایشان را به حمایت از یک جناح از بورژوازی بکشانند. مثلاً انگیزه ی فردی چون فریبرز رئیس دانا و امثالهم کاملاً روشن است. او که در انتخابات ریاست جمهوری گذشته همراهی با کروی را گزیده بود و امسال نیز در اعلامیه ای [۳] همراه با برخی از عناصر حکومتی و دیگر رفرمیست ها و جمهوریخواهان و دمکراسی خواهان، شروط شرکت در انتخابات (که بنظر می رسد از شعارهای تبلیغاتی مهندس موسوی الهام گرفته شده است) را اعلام داشته است، کاملاً روشن است. آنها با به دام انداختن افرادی چون بهزاد سهرابی بر آنند که هاله ی انقلابی متوهم در کنار او را به قلاب بیاندازند و حتی اگر نتوانند آنها را به حمایت از جناح مورد نظرشان وارد صحنه انتخابات کنند، حتی المقدور، ایشان را از فعالیت برای تحریم انتخابات باز دارند.

در اینجا، روی سخن ما با انقلابیون کمونیست است که گویا متوجه شرایط مشخص مبارزه طبقاتی نیستند! هنگامیکه جامعه ای به سرعت دو قطبی می شود و تمامی دسته بندی های بورژوازی، از خودی های هیئت حاکمه گرفته تا "اپوزیسیون برانداز"، نیروهای خود را در ائتلاف ها و جبهه ها متمرکزی کنند، وزمانیکه رئیس حکومت امپریالیستی سخن از آشتی و کنار گذاشتن رفتارهای خصمانه اش علیه بورژوازی بومی می زند، هنگام آنست که به جامعه نظری دوباره بیافکنیم و ببینیم که آنها متوجه حاد شدن تضادهای طبقاتی هستند و در حال سازماندهی خود برای "روز مبادا" می باشند. روند مبارزه طبقاتی با شتاب به سمت "شرایط انقلابی" در حرکت است. امپریالیسم آمریکا خود را برای هر شرایطی آماده می سازد. از یکطرف اعلام می دارد که می تواند با ارتجاعی ترین نیروهای هیئت حاکمه وارد مذاکره شود و ازطرف دیگر مهره های اصلاح طلب را تقویت کرده تا شاید بتواند جلوی امواج انقلاب قریب الوقوع را بگیرد، و حتی برای روزی که نتواند در شرایط تاثیر گذاشته و "تغییر حکومت" را بصورت مسالمت آمیز و به نفع اصلاح طلبان پیش ببرد، در حال موتلف کردن سلطنت طلبان و مجاهدین خلق است، تا مطمئن شود که در صورت وقوع انقلاب، قدرت به دست نهادهای دمکراتیکی (مردمی) که معمولاً در شرایط انقلابی ظاهر می گردند، نیافتد. به همین علت است که از یکطرف، میان جناح های هیئت حاکمه مسابقه ای برای سازش با امپریالیسم آغاز شده است تا خود را بعنوان تنها نامزد صالح شراکت با سرمایه جهانی به آمریکایی ها بقبولانند، و از طرف دیگر، نیروهای لیبرال و اپوزیسیون نیز در حال تشکیل ائتلاف هایی هستند تا در این اوضاع جایی بر سر سفره ی سرمایه جهانی و بومی برای خود دست و پا کنند. این فقط کارگران هستند که بواسطه ی

ضعف کمونیست های انقلابی در درک شرایط و عدم تحقق انسجام تشکیلاتی لازم، قرار است همچون انقلاب ۵۷، بصورت پراکنده، "گوشت دم توپ" جا به جایی قدرت شوند.

## رفقا!

زمان مطالعه و تدوین تئوری های رنگارنگ و گپ های قهوه خانه ای گذشته است. زمان آن فرا رسیده تا حول محور برنامه ی انقلابی برای استقرار حکومت شوراها جمع شویم و با ایجاد تشکیلات سیاسی لازم، حزب طبقه کارگر، کارگران را در صف مستقل خود وارد کارزار کنیم و نگذاریم تا چون انقلاب گذشته، ایشان، تبدیل به نیرویی در خدمت رقابت جناح های مختلف بورژوازی شوند. در گذشته شاهد بودیم که چگونه در شرایط انقلابی، نهادهای کارگری، در کارخانه ها و محلات، بصورت خودبخودی، سر بر آوردند، اما قدرت را دو دستی به حکومت موقت و سپس به جمهوری اسلامی تحویل دادند. بیایید تا این بار از وظیفه خود کوتاهی نکرده و طبقه کارگر را برای حفظ قدرت در دست نهادهای دمکراتیک و استقرار حکومت شوراها آماده سازیم.

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

رامین رحیمی

۱۱ فروردین ۱۳۸۸

یادداشت

[۱] <https://www.salam-democrat.com/spip.php?article20743>

[۲] "جنبش کارگری نیازمند طرح نیست!" <https://www.salam-democrat.com/spip.php?article21341>

[۳] انتخابات و گفتمان مطالبه محور/بیانیه صدها تن از فعالان سیاسی و مدنی <http://advarnews.biz/idea/8899.aspx>